

درباره ی قدرت دوگانه

مسأله اساسی هر انقلاب موضوع قدرت حاکمه در کشور است. بدون توضیح این مسأله نمی توان از هیچ گونه شرکت آگاهانه در انقلاب و به طریق اولی از رهبری بر آن صحبت کرد.

خود ویژگی بی نهایت شایان توجه انقلاب ما در این است که این انقلاب یک قدرت دوگانه به وجود آورده است. این فاکت را باید مقدم بر هر چیز برای خود روشن نمود زیرا بدون پی بردن به آن نمی توان گامی به پیش برداشت. باید توانست «فورمول های» قدیمی مثلاً فورمول های قدیمی بلشویزم را تکمیل و اصلاح نمود زیرا این فورمول ها، چنان چه معلوم شده به طور کلی صحیح بوده است ولی اجراء مشخص آن ها صورت دیگری به خود گرفته است. سابقاً درباره ی قدرت دوگانه احدی فکر نمی کرد و نمی توانست هم فکر کند.

قدرت دوگانه عبارت از چیست؟ عبارت از این است که در کنار حکومت موقت، یعنی حکومت بورژوازی، حکومت دیگری تشکیل یافته که هنوز ضعیف و در حالت جنینی است ولی به هر حال موجودیت عملی و مسلم داشته در حال نمو است: این حکومت، شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان است.

ترکیب طبقاتی این حکومت دیگر، چگونه است؟ پرولتاریا و دهقانان (که به لباس سربازان ملبس هستند). خصلت سیاسی این حکومت چیست؟

دیکتاتوری انقلابی یعنی قدرتی که مستقیماً بر تصرف انقلابی و ابتکار بلاواسطه ی توده های مردم از پائین - متکی است نه بر قانون صادره از طرف یک قدرت متمرکز دولتی. این قدرت حاکمه به کلی غیر از آن نوعی است که به طور کلی در جمهوری پارلمانی بورژوا دموکراتیکی که تا کنون تیپ عادی به شمار می رفت و در کشورهای پیشرفته اروپا و آمریکا حکمفرماست،- دیده می شود. چه بسا این نکته را فراموش می کنند و چه بسا در آن تعمیق نمی ورزند و حال آن که تمام کنه مطلب این جا است. این قدرت از همان نوع کمون ۱۸۷۱ پاریس است. مشخصات اصلی این نوع:

- ۱) منبع قدرت -قانونی نیست که قبلاً در پارلمان مورد بحث قرار گرفته و به تصویب آن رسیده باشد، بلکه ابتکار مستقیم توده های مردم از پائین و در محل ها و به اصطلاح رایج «تصرف» مستقیم است؛
- ۲) تسلیح مستقیم تمام مردم به جای پلیس و ارتش، که مؤسساتی جدا از مردم و در نقطه ی مقابل مردم هستند. در شرایط وجود این قدرت نظام امور در کشور به توسط خود کارگران و دهقانان مسلح و خود مردم مسلح حفظ می شود؛
- ۳) مستخدمین دولت و دستگاه بوروکراتیک نیز یا جای خود را به قدرت بلاواسطه ی ناشی از خود مردم می دهند و یا حداقل تحت کنترل مخصوص قرار می گیرند و نه تنها انتخابی می گردند، بلکه با اولین درخواست مردم قابل تعویض خواهند بود، یعنی تا مقام عاملین ساده تنزل می نمایند و از قشر ممتاز دارای «مقاماتی» با حقوق عالی، بورژوائی، به کارگرانی از «رسته ی» مخصوص بدل می شوند که حقوق آن ها از حقوق معمولی یک کارگر خوب بالاتر نخواهد بود.

ماهیت کمون پاریس که نوع مخصوصی از دولت است، در همین و فقط در همین است. آقایان پلخاتف ها (این شوینیست های علنی که به مارکسیزم خیانت نموده اند) و کائوتسکی ها (این «مرکزیون» که بین شوینیزم و مارکسیزم در نوسانند) و به طور کلی تمام سوسیال دموکرات ها و سوسیال رولوسیونرها و غیره که امروز حکمفرمایی می کنند این نکته را فراموش نموده و مورد تحریف قرار داده اند.

این اشخاص با عبارت پردازی گریبان خود را خلاص می نمایند، به سکوت برگزار می کنند، طفره می روند، هزار بار به یکدیگر به مناسبت انقلاب تبریک می گویند و نمی خواهند در این باره فکر کنند که شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان یعنی چه. آن ها نمی خواهند این حقیقت عیان را ببینند که تا آن جا که این شوراها وجود دارند و تا آن جا که این شوراها قدرتی هستند، در روسیه دولتی از نوع کمون پاریس وجود دارد.

من روی کلمه «تا آن جا» تکیه کردم، زیرا شوراها هنوز فقط قدرتی در حال جنین هستند. این قدرت خواه از طریق سازش مستقیم با حکومت موقت بورژوازی و خواه از طریق یک سلسله گذشت های واقعی، خود مواضع را به بورژوازی تحویل داده و می دهد.

چرا؟ آیا برای این که چیخیده، تسره تلی، استکلف و شرکاء «اشتباه» می کنند؟ این حرف پوچی است. تنها یک عامی می تواند این طور فکر کند نه یک نفر مارکسیست. علت این امر کافی نبودن آگاهی و تشکل پرولتاریا و دهقانان است. «اشتباه» رهبران نامبرده در نظریات خرده بورژوانی آنان و در این است که آن ها ذهن کارگران را تیره ساخته و آن را روشن نمی کنند، موهومات خرده بورژوانی تلقین نموده و این موهومات را تکذیب نمی کنند،

مبانی نفوذ بورژوازی را در میان توده ها استوار ساخته و توده ها را از قید این نفوذ آزاد نمی کنند.

از این جا باید دیگر واضح باشد که چرا رفقای ما نیز این قدر دچار اشتباه هستند وقتی مسأله را «به طور ساده» مطرح نموده می گویند: آیا باید فوراً حکومت موقت را برانداخت؟

پاسخ می دهم:

(۱) آن را باید برانداخت، زیرا این یک حکومت الیگارشسی بورژوازی است نه حکومت تمام مردم، این حکومت نمی تواند نه صلح بدهد، نه نان و نه آزادی کامل؛

(۲) آن را نمی توان اکنون سرنگون ساخت زیرا این حکومت به وسیله ی سازش مستقیم و غیرمستقیم، به وسیله سازش در گفتار و در کردار با شوراها ی نمایندگان کارگران و قبل از همه با شورای کل یعنی شورای پترزبورگ خود را روی پا نگاه داشته است؛

(۳) آن را اصولاً با وسائل معمولی نمی توان «برانداخت» زیرا متکی بر «پشتیبانی» حکومت دوم، یعنی شوراها ی نمایندگان کارگران و سربازان، از بورژوازی است و این حکومت یگانه حکومت انقلابی ممکنه است که مستقیماً مظهر شعور و اراده ی اکثریت کارگران و دهقانان است. بشر حکومتی عالی تر و بهتر از شوراها ی نمایندگان کارگران و بزرگان و دهقانان و سربازان به وجود نیآورده است و ما تا کنون نظیر آن را ندیده ایم.

کارگران آگاه برای نیل به قدرت باید اکثریت را به سوی خود جلب نمایند: مادامی که بر توده ها فشار وارد نمی شود راه دیگری برای نیل

به قدرت حاکمه وجود ندارد. ما بلانکیست^۱ نیستیم یعنی طرفدار تصرف قدرت از طرف یک اقلیت نیستیم، ما مارکسیست یعنی طرفدار مبارزه ی طبقاتی پرولتاری علیه گِیج سری خرده بورژوائی، علیه شوینیزم دفاع طلبانه و عبارت پردازی و علیه تبعیت از بورژوازی هستیم.

پس به تشکیل حزب کمونیست پرولتاریا بپردازیم؛ بهترین هواداران بلشویزم عناصر آن را تشکیل داده اند؛ برای فعالیت طبقاتی پرولتاری متحد شویم، در آن صورت است که روز به روز تعداد هر چه بیش تری از پرولتارها و دهقانان تهیدست به هواداری ما بر خواهند خاست. زیرا زندگی هر روزه بطلان اوام خرده بورژوائی «سوسیال دموکرات ها»، چرخیده ها، تسره تلی ها، استکلف ها و سایرین و نیز «سوسیال رولوسیونرها»، این خرده بورژواهای بسی «خالص»تر و غیره و غیره را به ثبوت می رساند.

بورژوازی طرفدار قدرت یکتای بورژوازی است.

کارگران آگاه طرفدار قدرت یکتای شوراهای نمایندگان کارگران و بزرگان و دهقانان و سربازان، یعنی طرفدار قدرت یکتائی هستند که موجبات آن از راه روشن شدن ذهن پرولتاریا و رهائی وی از قید نفوذ بورژوازی فراهم شده باشد نه از راه ماجراجویی.

^۱ - بلانکی ها- طرفداران لوئی بلانکی (۱۸۰۵-۱۸۸۱۹ انقلابی فرانسوی. کلاسیک های مارکسیزم- لنینیزم در عین حال که بلانکی را یک انقلابی برجسته و طرفدار سوسیالیزم می دانستند، به علت شیوه ی طریقت بازی و توطئه گرانه ی وی او را مورد انتقاد قرار می دادند. بلانکیزم مبارزه ی طبقاتی را انکار می کرد و راه رهائی بشر را از قید بردگی روزمزدی مبارزه ی طبقاتی پرولتاریا ندانسته بلکه توطئه ی اقلیت کوچکی از روشنفکران می دانست. (ص-۴۵۷)

خرده بورژوازی - «سوسیال دموکرات ها»، اس ارها و غیره - در حال نوسان است و مانع این روشن شدن و رهائی می گردد. چنین است تناسب واقعی یعنی طبقاتی قوا که تعیین کننده ی وظائف ما است.

ن. لنین

«پراودا» شماره ی ۲۸، ۹ آوریل ۱۹۱۷

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴